

پیام سیاست

گاهنامه سیاسی اقتصادی اجتماعی

فرهنگی

سال هفتم، شماره دهم، خرداد ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: انجمن وفاق و توسعه

دانشجویان دانشگاه شیراز

شماره مجوز نشریه: ۴۶۴/ک ن ش

مدیر مسئول: امیر احمد مجرد

سر دبیر: کیوان میرزایی

فهرست

۱ مدیریت تانکی

۶ اسلام و جمهوریت

۶ بررسی فعالیت های

شرکت خصوصی واگنر

۱۲ زن ابرونی تکه



مسولین ذی ربط نبود تا اینکه در هفت فروردین ماه سال جدید مجید غفوری، دبیر شورای ساماندهی، توسعه و گسترش مساجد شهر تهران مدعی شد که:

((ساخت مسجد در پارک قیطریه منتفی نشده است. هیچ درختی قطع و یا جابجا نخواهد شد)) و دو روز بعد شهردار تهران در مصاحبه خود با اصحاب رسانه در ابتدا به کلی منکر شد که در پارک قیطریه اتفاقی افتاده

اما پس از پافشاری

از درختان پارک قیطریه در جریان گودبرداری برای ساخت مسجد، قطع شده‌اند. طبق مشاهدات منطقه مذکور برای ساخت مسجد حصار کشی شده است. همچنین درختانی که درون حصار قرار دارند، به شکل غیراصولی هرس شده‌اند و دور تعدادی از درختان، با اسپری قرمز رنگ خطی کشیده شده است. تا زمان نگاشتن این مطلب نیز هیچ گونه فعالیت عمرانی در منطقه مذکور انجام نشده بود و محل ساخت مسجد تنها با حصار، از قسمت های دیگر پارک جدا شده است. اما همچنان از واکنش

اهالی دفتر پارک سؤال کرده که ((چطور ممکن است در چنین پارک مهمی این مساحت به این بزرگی را بخواهند خالی از درخت و تبدیل به مسجد کنند، پاسخ گرفت که دستور اکید از بالا است!))

هرچه ورقهای تقویم رو به جلو می‌رفت ماجرا ابعاد و رنگ و بوی جدیدی می‌گرفت.

مثلا در گزارش ۱۲ اسفند روزنامه فرهیختگان ((در روزهای اخیر خبرهایی پیرامون ساخت و ساز در پارک قیطریه منتشر شده و برخی از رسانه‌ها و افراد در فضای مجازی مدعی شده‌اند که حتی بخشی

امیر احمد مجرد
کارشناسی حقوق
مدیر مسئول نشریه



مدیریت تانکی

هر دم از این باغ بری میرسد
تازه تر از تازه تری میرسد

اواخر سال گذشته بود که اخباری مبنی بر حصار کشی به دور درختان پارک قیطریه تهران باعث نگرانی مردم شد. از این جهت که این بار شهرداری چه تدبیر جدیدی برای محل زندگی‌شان اندیشیده است! اندک اندک شایعه‌هایی دایر بر ساخت مسجدی جدید در این ناحیه به گوش مردم خورد. زمانی که یکی از مردم از

خبرنگاران بیان کرد که حتما در پارک‌ها مسجد می‌سازیم و درختی هم قطع نمی‌شود او سپس بیان کرد که خود نه تنها از منطقه مورد بحث دیدن کرده بلکه دستور داده تعرضی به درختان آن ناحیه به عمل نیاید و در ادامه بیان کرد که تنها در پشت مسجد چند نهال قرار است جا به جا بشود و مجدداً کاشته شود.

اما واکنشها به همین سطح محدود نماند و اظهارات مقامات به جای ایجاد آرامش و اطمینان منجر به تولید نگرانی هرچه بیشتر در ذهن مردم و حتی برخی دیگر از مسئولین شد. به عنوان مثال ناصر امانی، عضو شورای شهر تهران بیان داشت که:

ساخت مسجد در بخشی از بوستان قیطریه نه تنها تعظیم شعائر اسلامی نیست بلکه موجب تخریب شعائر و بدبینی بخش وسیعی از شهروندان خواهد شد، تا کی قرار است خودزنی کنیم؟! و نیز علی قلهکی فعال فضای مجازی در توییتری نوشت: لجبازی با مردم در اداره کلانشهری مثل



تهران آن‌هم در موردی که توجیه ندارد، اثر بسیار معکوسی می‌گذارد. ساخت مسجد در پارک قیطریه که غیر از نمازخانه، اطرافش ۵ مسجد و ۱ حسینیه است، کارکرد حاکمیتی و بیلبان‌سازی دارد و خیری هم برای مردم نمازخوان محله‌ی قیطریه با توجه به تعدد مساجد در این محل، ندارد با این حال خبرگزاری فارس این دغدغه به جا و به حق مردم و مسئولین را دستاویز جدید برای ایجاد جنجال در رسانه های فارسی زبان عنوان کرد و افزود:

بهبانها آنها برای این موضوع هم قطع درختان است. شهردار تهران اما تاکید کرده که قرار نیست درختی قطع شود

شهرداری تهران می‌گوید برای حفظ درختان، نقشه

مدعی را هم بلند کرد محمد مهاجری عضو سابق شورای سردبیری روزنامه کیهان: مسجد در روزگاران قدیم نه فقط محل عبادت که مکانی برای رفع و رجوع نیازهای مردم، جایگاهی برای همدلی، فضایی برای محبت ورزیدن به یکدیگر بوده است.

آنچه این روزها از تصمیم برای ساخت مسجد در پارک قیطریه برداشت می‌شود، نوعی بازی سیاسی و لجاجت است. از نوع همان بازیها و لجاجتهایی که منافقین به هنگام ساخت مسجد ضرار کردند.

همچنین محمد توسلی اولین شهردار تهران بعد از انقلاب ۱۳۵۷ ساختن مسجد در پارک قیطریه را نقض هدف مالک باغ و خانواده‌ها در آرامش می‌توانند از فضای سبز و دیگر امکانات استفاده کنند.

و نیز سردار کوثری نماینده مجلس ساخت مسجد در پارک قیطریه تهران را تیری در قلب دشمنان دانست و افزود:

ساخت مسجد در چنین مکانی دقیقا مصداق برطرف کردن نیاز فرهنگی ولی این حرفها و سخنان حتی صدای اعتراض برخی از همین فعالین جبهه متعلق به آقایان در پارکی که زمینش به

گفته شهردار وقت هدایی یک نیکوکار و با کاربری معین است کاری خلاف و نمونه‌ی بی اخلاقیهای مدیران اقتدارگرا می‌دانم پس لطفا آقای شهردار دست از لجبازی با مردم بردارد و به جای اقدامات نمایشی، دین داری خود را با ساماندهی نابسامانیهای شهری و ارائه خدمات ضروری به شهروندان نشان دهد.

در ادامه مخالفتها با ساخت این مسجد سید سعید لواسانی امام جمعه سابق لواسان بیان کرد که: ساخت مسجد کار شهرداری نیست، ساخت مسجد مردمی‌ترین عمل مومنانه جمعی است. شهرداری به وظیفه خود بپردازد و مسجد را به مومنان بسپارد. ساخت پارک، احداث بزرگراه، توسعه سامانه‌های شهری، بهینه کردن مسیرها و... وظایف شهرداری است که الحمدلله درباره آنها بغایت کم‌کاری می‌کند.

سپس احمد زیدآبادی در مطلبی با انتقاد از تصمیم زاکنی شهردار تهران برای ساخت مسجد در پارک قیطریه نوشت: آنچه از دین به کار آرامش روحی و تلطیف عواطف انسانی می‌آید، فروهشته و یا تخریب کرده‌اند و به جایش، با تمسک به قشر و پوست و غلاف و

جلد امور، پنجه به روان و اعصاب مردم می‌کشند در کنار این سخنان باید به این نکات هم توجه کرد که ساخت مسجد با پول مردم، نشانه متدین بودن شهردار نیست!!! هزینه کرد درست پول مردم برای مردم، می‌تواند نشانه تعهد واقعی باشد نه مسجده سازی در جاهایی که نیازی به مسجد نیست».

به راستی آیا مردم تهران، اکنون به ساخت مسجد جدید توسط شهرداری نیاز دارند و از شهردار می‌خواهند برایشان در پارک‌ها مسجد بسازد یا به توسعه حمل و

های جدید امحاء زباله و بازیافت و نظایر این‌ها؟ در حالی که بسیاری از مساجد تهران عملاً غیر فعال و خالی از نمازگزار هستند، ساخت مسجد جدید چه توجیهی دارد؟ آن هم در جایی مانند قیطریه که به دلیل قدمتش، دارای چندین مسجد در اطراف همین پارک است

تعداد روحانیون در کشور، از تعداد مساجد بیشتر است. با این حال، بیش از نیمی از مساجد کشور، امام جماعت ندارند. اول خود روحانیون به مسجد بروند و مساجد فعلی را راه بیندازند، بعد اگر جایی مسجد کم بود، خود

شهرداری‌ها ساخته‌اند؟ عجیب است که شهردار می‌گوید در محل ساخت مسجد در پارک قیطریه درختی نیست و در آن چند هزار متر زمین در نظر گرفته شده برای مسجد، تنها ۱۵ - ۱۰ نهال وجود دارد! اگر این گونه است که باید فوراً در این همه فضای خالی در پارک باید درخت بکارند و کم کاری صورت گرفته را جبران کنند

چرا درخت بکارند؟ چون آنجا پارک است و معنی و کاربرد پارک هم که معلوم است

مگر خودشان از بام تا شام از کمبود سرانه فضای سبز در تهران نمی‌گویند؟



مومنین دست به کار می‌شوند و مگر در طول تاریخ، این همه مسجد را در شهرها و روستاهای کشور،

نقل عمومی، افزایش سرانه فضای سبز، احداث پارکینگ‌های عمومی و بهره‌گیری از مکانیزم

و آیا جایی مناسب تر فضاهای خالی پارک‌ها برای درختکاری؟ بعد از این مطالب موضوع دیگری توجه مردم و دوستداران محیط زیست و علاقمندان به تاریخ را جلب کرد

بیم ارتباط این ماجراجویی جدید شهرداری با کشف آثار تاریخی در این محوطه روزنامه اعتماد نوشت از ابتدای انتشار خبر احداث مسجد در پارک قیطریه، یکی از انتقادات مطرح شده، این بود که اصولاً ساخت مسجد جزو وظایف شهرداری نیست. اما سخنگوی شهرداری تهران، علت اصرار این نهاد برای ساخت مسجد در پارک قیطریه را «درخواست‌های مکتوب مردمی» عنوان کرده و گفته است مردم سال‌ها است که خواهان احداث مسجد در میان این پارک هستند.

اقدامات رسمی در جهت تخریب آثار تاریخی اتفاق چندان جدیدی نیست و سکوت متولیان میراث فرهنگی کشور در این مورد، معنایی جز مشارکت در این امر ندارد. شهرداری تهران تاکنون

درصد توجیه موضوع قطع درختان بود و همان پاسخ همیشگی را ارائه می‌کرد که درختی قطع نخواهد شد و چند نهال جابه‌جا می‌شوند، اما حال باید دید برای نگرانی علاقمندان و پژوهشگران حوزه تاریخ و باستان‌شناسی در خصوص تخریب این محوطه باستانی چه پاسخی خواهد داشت

همچنین اصرار شهرداری بر ساختن این مسجد به رغم وجود تمام ایرادات کارشناسی و فنی، نوعی تقابل اجتماعی را به همراه دارد.

عباس محمدی فعال فضای مجازی: به استناد مشاهده‌های میدانی و آنچه که این روزها به گوش می‌رسد، می‌توان گفت که یک نارضایتی عمیق از دستکاری در پارک قیطریه در میان اهالی منطقه و دیگر شهروندان شکل گرفته است.

بیشتر کردن نارضایتی‌ها نخواهد داشت از شورای شهر و دیگر مقام‌های بالادستی انتظار می‌رود که به این لجاجت‌ها پایان دهند آنچه که بر این تقابل می‌افزاید وجود چندین مسجد و حسینیه دیگر در نزدیکی محل احداث این مسجد است

مسجد مفتخر تا پارک

خود را با هم یکی کنند تا شاید گرهی از کار گشوده شود که مع الاسف این تجمع با دخالت پلیس جمع آوری شد و نتوانست آن طور که باید و شاید مسمر ثمر واقع شود

پس از این وقایع

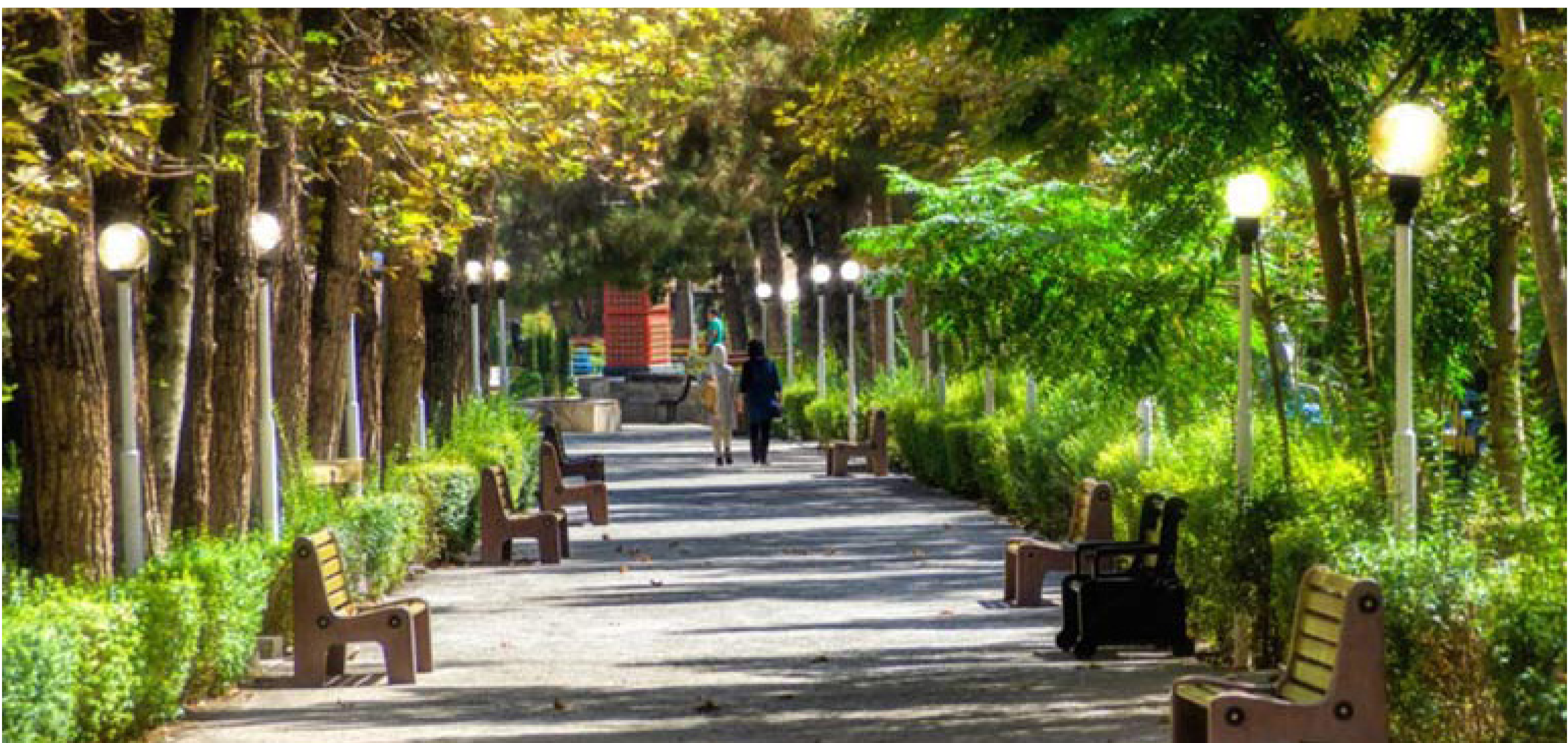
آقا میری عضو شورای شهر تهران مجدد ادعا کرد که این مسجد تنها حدود

یک درصد از فضای پارک را اشغال می‌کند و قطع درختان هم در دستور کار نیست حال آنکه نظر به گزارشات میدانی قطع و جا شروع شده در ویدیویی که خبرگزاری ایلنا منتشر کرده روایت می‌شود که بر خلاف صحبت‌های شهردار تهران در مکانی که برای ساخت مسجد

در پارک قیطریه در نظر گرفته شده حدود ۴۰ درخت تنومند و ۶۰ نهال به فاصله یک متر وجود دارد و این موضوع خود نگرانی فعالان زیست محیطی را تأیید و تقویت می‌کند.

در میانه این غوغا اظهارات سطحی حجت الاسلام سعیدی نژاد اوضاع را سخت تر از قبل

پارک شوند با این اظهارات داماد مرحوم محتشمی‌پور ساخت مسجد در پارک قیطریه قطع شد. سعیدی‌نژاد گفته ما از همین حالا دنبال پیش نماز برای مسجد هستیم. او گفته من وصی پدر زلم هستم و اصلاً نیازی نیست با دختر ایشان (فخرالسادات محتشمی‌پور) مشورت



کرد: در وصیتنامه مرحوم محتشمی‌پور کلمه‌ای به عنوان مسجد نیامده و ایشان نوشتند وصی یعنی بنده هر کار خیری که صلاح میدانم انجام دهم من هم صلاح دیدم در پارک قیطریه مسجد بسازم. مخالفان ساخت مسجد نگران آزادی خودشان هستند چون با وجود مسجد دیگر نمیتوانند بی حجاب وارد

۲۰۰ متری بسازند تا مردم در این محل نماز بخوانند که اقدامی کاملاً منطقی است

برای ساخت این مسجد در پارک قیطریه یک درخت هم قطع نمی‌شود و هر کسی که درختی قطع کرد را بیاورید، پایش را قطع کنیم. مخالفان و منتقدان از مسجد می‌ترسند، چرا که می‌بینند اقدامات مردمی مانند شرکت در راهپیمایی‌ها از مسجد نشات می‌گیرد. این افراد از مسجد هراس دارند، و گرنه که در ۳۴ پارک، مسجد ساخته شده است آیا اتفاقی رخ داده است؟ مگر در پارک گفتگو که مسجد ساخته شده، اتفاقی افتاده است؟ مردم در مسجد پارک نماز می‌خوانند می‌روند و انشالله در مسجد پارک قیطریه هم برای نماز می‌آیند.

با اینحال ایرادات اساسی به این استدلالات وارد است: طبق اسناد منتشر شده ای که دستیار شهردار (مجید غفوری) آنها را امضا کرده متر از این مسجد چیزی در حدود ۸۰۰ متر مربع است نه ۲۰۰ متر. طبق این اسناد، شهرداری در محدوده‌ای بیش از این مساحت، درختان را قبل

از تابستان جابه‌جا کرده است؛ چند درخت هم برای زمستان مانده است. حال باید از رییس شورای شهر پرسید که چرا درخت‌کشی را انکار کرده، چرا متر از یک چهارم واقعیت اعلام کرده و چرا با خلاف‌گویی، لجاجت‌های شهردار را توجیه می‌کند؟ در تازه‌ترین واکنشها نوری، نماینده مجلس: در پارک چند هکتاری ۲۰۰ متر بنا برای نمازخانه که اشکالی ندارد. این سر و صداها بی‌معنا و بی‌ربط است.

حتی اگر درختی قطع شود، کار خوبی است. سخنانی از این دست بدان معناست که قرار است در همچنان بر همان پاشنه بچرخد و گوش شنوایی برای شنیدن این مطالبه مردمی وجود ندارد. در پایان حدیثی را از امام علی (ع) نقل میکنم شاید مفید واقع شود.

امام علی علیه‌السلام: چهار عامل سبب نابودی دولت‌ها می‌شود:

- ضایع کردن اصول (مسائل مهم)
- سرگرم شدن به فروع
- به کار گماردن آدم‌های پست
- کنار گذاردن انسان‌های فاضل

کیوان میرزایی
کارشناسی حقوق
سر دبیر نشریه

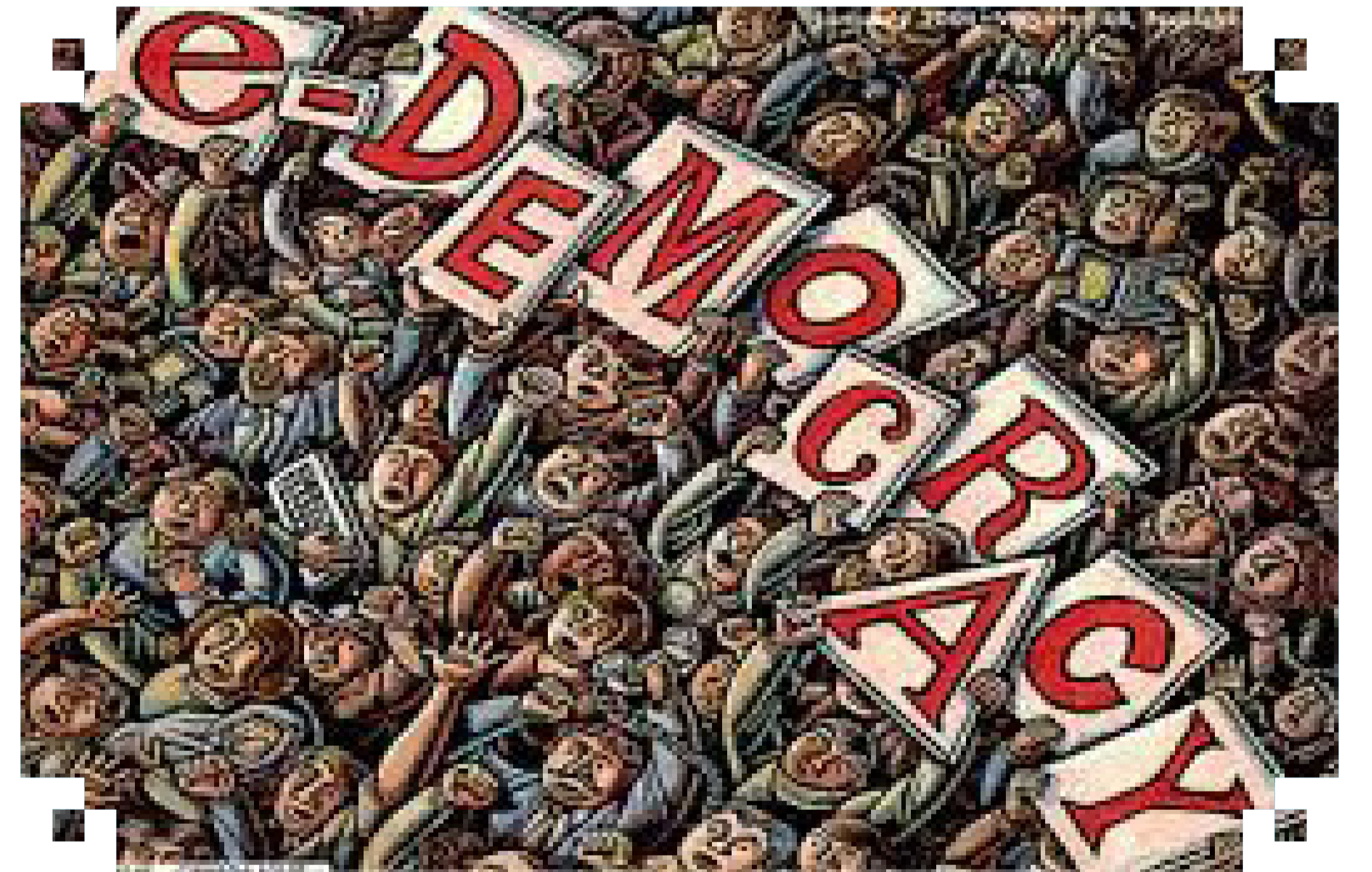


اسلام و جمهوریت

هرگاه سخن از جمهوری و به ویژه کشوری که دارای نظام سیاسی جمهوری است به میان می‌آید؛ این تعریف که حکومتی برپایه مردم‌سالاری یا همان

نظر و خواست مردم کنار می‌رود و حاکمیت الله یا دین بر اساس ارزش‌های اسلامی به میان می‌آید. واژه ای که همین‌که به جمهوری اضافه می‌شود لفظ جمهوریت از دموکراسی و مردم‌سالاری تهی می‌شود. دموکراسی تنها درجایی کاربرد دارد که فقط و فقط

سردمداران نظام بخواهند از اسلامیت، جمهوریت را کره بگیرند راه به بیراهه می‌برند. البته ناگفته نماند که اغلب اوقات حتی همان اسلام نیز چندان مهم نیست، حرف حرف همان حاکم است که هر چه بخواهد حلال و هر چه نخواهد حرام.



علی کریمزاده
کارشناسی حقوق



بررسی فعالیت‌های شرکت خصوصی واگنر

شرکت‌های نظامی خصوصی ۱ (PMC) یا ارتش‌های خصوصی شرکت‌هایی هستند که در جهت اهداف سیاسی

و نظامی خدمت رسانی می‌کنند این شرکت‌ها با انعقاد قراردادهای امنیتی با دولت‌ها، سازمان‌ها و اشخاص به انجام عملیات‌های نظامی مورد نظر می‌پردازند طرف قرارداد این ارتش‌ها بیشتر دولت‌ها هستند دولت‌ها در قالب حفظ نظم و امنیت خود و یا برای اهداف نظامی اقدام به انعقاد قرارداد با این شرکت‌ها می‌کنند اولین برخورد جدی جهان با این ارتش‌ها در ابتدای قرن ۲۱ بود. زمانی که اسنادی از سی‌ای‌ای ۲ منتشر شد که مبنی بر قرارداد با بلک واتر برای اهداف نظامی آمریکا در افغانستان و عراق. و همچنین رسوایی بلک واتر در پی کشتن ۱۴ غیر نظامی عراقی در سال ۲۰۰۷ گروه واگنر ۳ یکی از همین ارتش‌های خصوصی هست. ولی گروهی از سیاستمداران و نویسندگان در واقع واگنر را مجموعه پیچیده میدانند که یکی از قالب‌های فعالیتش، فعالیت نظامی است. آنها معتقد اند گروه واگنر از به هم پیوستن چند گروه با توانایی‌های مختلف تشکیل شده است و در عرصه‌های مختلف فعالیت دارند. این شرکت فارغ از فعالیتش

یک شرکت روسی است و رئیس و موسس آن یوگنی پریگورژین است، یوگنی پریگورژین از الیگارش‌های روسیه است او رابطه نزدیکی با ولادیمیر پوتین رئیس جمهور وقت روسیه دارد و حتی قبل ازین که رئیس این گروه نظامی شود آشپز شخصی ولادیمیر پوتین بوده است. مرکز این گروه یا به عبارتی بهتر ستاد فرماندهی آن سن پترزبورگ است. اولین حضور گروه واگنر در عرصه جهانی مربوط به سال ۲۰۱۵ در جریان جنگ داخلی سوریه میشود، با این حال اسنادی منتشر شده که نشان میدهد اعضای گروه واگنر قبل از آن در بحران ۲۰۱۴ کریمه اوکراین حضور موثر داشتند طبق این اسناد افراد گروه واگنر با حمایت روسیه و با کمک جدایی طلبانی که در شبه جزیره کریمه بودند اقدام به کودتا و تبلیغ برای ارتش و روسیه می‌کردند. بعد از جنگ داخلی سوریه ردپای گروه واگنر در کشورهای اروپایی آسیایی و بالاحص آفریقایی دیده شد و در نهایت جایی که جهان متوجه تهدید جدی واگنر برای جهان و حقوق بین الملل شد جنگ ۲۰۲۲ روسیه و

اوکراین بود که گروه واگنر در این جنگ نقش پیمانکار نظامی را ایفا می‌کردند آنها به آموزش نیروهای نظامی، حمله به اهداف نظامی روسیه در خاک اوکراین و... می پرداختند و همچنین اسنادی از جنایات جنگی این گروه در اوکراین وجود دارد. در این نوشته سعی

تعریف مزدور هم آمده است که به این شرح است. مزدور کسی است که در برابر پاداش یا دریافت پول، فعالیت‌های غیر قانونی انجام میدهد. با بررسی قانون جنایی روسیه میتوان فهمید که این گروه در نظام حقوقی خود روسیه که ستاد

مطلع بودند. این واضح است که سیاستمداران روسی از واگنر مطلع بودند زیرا براساس اسناد منتشر شده تا حدودی ثابت میشود که این گروه ابتدائاً برای کمک به ارتش روسیه در خاک سوریه تشکیل شده بود اما اینجا خلاء مشروعیت برای این



میشود به بررسی اعمال و تشکیلات این گروه تا آنجا که مستندات وجود دارد پرداخته و تحلیل حقوقی از آن ارائه شود وضعیت گروه واگنر در نظام حقوقی روسیه براساس قانون جنایی که ۱۹۹۶ روسیه اشخاصی که به عنوان مزدور به فعالیت‌های مسلحانه در جنگ بپردازند مجرم شناخته میشوند، در همین قانون

فرماندهی آنها در آنجا هست یک گروه مزدور شناخته میشوند و فعالیت آنها در روسیه غیرقانونی به حساب می‌آید. براساس همین قانون و قانون اساسی روسیه بود که هیچ ارتش خصوصی در روسیه تاسیس نشده بود. ولی تقریباً همه حتی سیاستمداران روسیه هم از وجود گروه واگنر

گروه به شدت احساس میشد. پس از کشمکش‌های فراوان مردم و سیاستمداران روسیه برسر قانونی بودن یا نبودن این گروه ولادیمیر پوتین در کنفرانس مطبوعاتی سالانه پایان سال خود

در دسامبر ۲۰۱۸ اعلام کرد که اگر واکنش چیزی را نقض کند، دادستان کل باید آنها را ارزیابی کند. اما اگر قوانین روسیه

رسیدن بهار عربی به سوریه اتفاق افتاد و موجی از اعتراضات، آشوب‌ها و درگیری‌ها را در پی داشت. این اوضاع بهترین زمان

تاریخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵ در سوریه شروع شد. در ابتدا روسیه به بمباران های هوایی، ارسال جت های جنگی به سوریه

سوریه مستقر شده بود. کارهای از قبیل کمک برای فرود یا بلند شدن جت های جنگی، عملیات های جاسوسی و شناسایی چون در جنگ داخلی سوریه گروه واکنش به نمایندگی و همراه ارتش روسیه وارد سوریه شده بود با اثبات مشروعیت حضور ارتش روسیه، مشروعیت حضور گروه واکنش هم اثبات میشود. زیرا دولت هادر حقوق بین الملل دارای استقلال حاکمیتی هستند، این یعنی اینکه میتوانند بعضی از ارکان حاکمیتی داخلی خود را به گروه یا شرکت های خصوصی تفویض یا واگذار کنند و یا حتی از هر شرکت یا گروهی در آن رکن یا سازمان خود استفاده کنند.

پس نتیجتاً گروه واکنش در این قضیه شروعاتی مداخله داشته و کار آن خلاف حقوق بین الملل نبوده است. گروه واکنش در پی اعتراضات گسترده ای که در لیبی شکل گرفت درگیری نیروهای مردمی و حکومت معمر قذافی، سرانجام در ۲۰ اکتبر ۲۰۱۱ میلادی، شهر سرت آخرین پایگاه معمر قذافی سقوط کرد و معمر قذافی کشته شد. دولت انتقالی که دولتی بود در شرق لیبی تشکیل شده بود و هدفش مبارزه با دولت معمر قذافی، پایان جنگ را اعلام کرد. این دولت بعد از دولت قذافی عهده دار حاکمیت لیبی شد و همچنین سازمان ملل هم این دولت را به رسمیت شناخت این وضعیت پایدار نماند و در سال ۲۰۱۴ دوباره دو دستگی در لیبی به وجود آمد این بار دولتی جدید تحت عنوان دولت طبرق که حمایت کنگره ملی لیبی را داشت به وجود آمد و در مقابل دولت مستقر در لیبی بود قرار گرفت. این دولت با حمایت ارتش ملی لیبی و به فرماندهی ژنرال خلیفه حفتر برسر مناطق شرقی لیبی با دولت اصلی لیبی در جنگ هست و این

اتفاقات باعث به وجود آمدن سلسله جنگ هایی شد. که به آن جنگ داخلی لیبی می گویند. در این وضعیت روسیه حمایت خودش را صریحاً از ژنرال خلیفه حفتر و ارتش ملی لیبی اعلام کرد. سازمان ملل دوطرف را به صلح و سازش دعوت کرد. در این بین مستندات و منابعی از حضور نیروهای واکنش در لیبی خبر

کلی رد کرد و گفت اسناد منتشر شده اساس درست و قوی ندارد. ولی با این حال حضور واکنش در لیبی روز به روز پرنگ تر میشود زیرا فرماندهان نظامی کشور لیبی هم در سخنرانی و برنامه های جنگی خود این موضوع را تایید میکردند. آنها در سخنرانی های خود از حضور نیروهای روسی خبر میدادند و حتی نقاطی که این گروه مستقر بودند را هم میدانستند

جذب نیرو کرده و این نفرت را به لیبی انتقال داده است تا به ارتش ملی لیبی در جریان جنگ داخلی لیبی کمک کنند. دیده بان حقوق بشر سوریه مدعی شد که بیش از ۹۰۰ سوری توسط روسیه برای جنگ در لیبی استخدام شدند. طبق گفته منابعی که از لیبی منتشر شده است حتی ارتش ملی لیبی در جریان جذب نیرو و فرستادن آنها به لیبی به

را زیر پا نگذارند، می توانند تجارت خود را در هر کجای دنیا انجام دهند به عبارت دیگر، پوتین ظاهراً اعتراف کرد که واکنش وجود دارد و حتی به طور علنی از فعالیت های خارجی آن حمایت کرد. گروه واکنش در سوریه همانطور که اشاره کردیم اولین حضور واقعی گروه واکنش در عرصه جهانی در جنگ داخلی سوریه بود. جنگ داخلی سوریه بحرانی بود که در پی



برای رشد گروه های تروریستی بود در سال ۲۰۱۴ گروه تروریستی داعش به وجود آمد. گروهی که به قدری جنایات آن زیاد بود که سازمان ملل و شورای امنیت را مجبور ساخت چندین قطعنامه علیه آن صادر کن ۴. طولی نکشید که داعش مناطق بسیار زیادی را در عراق و سوریه به تصرف خودش درآورد. زمانی که داعش تهدیدی خیلی جدی برای دولت بشار اسد به شمار میرفت. دولت سوریه از روسیه درخواست کمک کرد. در پی همین درخواست مداخله روسیه رسماً از

می پرداخت و بعد در ادامه حوزه فعالیت روسیه در سوریه بیشتر شد تا جایی که روسیه اقدام به فعالیت های دیپلماتیک جهت عادی سازی روابط گروه ها و کشورهایی که رویکرد خصمانه نسبت به دولت بشار اسد داشتند پرداخت در همین زمان بود که گروه واکنش به صورت رسمی تاسیس شده بود و در این جنگ به عنوام یک پیمانکار نظامی عمل میکرد و به نوعی او به نمایندگی از روسیه در جنگ دخالت میکرد. گروه واکنش عملاً برای کمک به ارتش روسیه در

میدهند. طبق اسنادی که منتشر میشود گروه واکنش همکاری های بسیار گسترده ای با ارتش ملی لیبی داشته. با این حال میخائیل بوگدانوف، مامور ویژه رئیس جمهور روسیه در امور خاورمیانه و آفریقا، حضور واکنش در لیبی را به

اگر بخواهیم به بحث مشروعیت حضور واکنش در لیبی بپردازیم لازم است ابتدا به حضور واکنش در سوریه دقت کنیم. طبق اسنادی و مستنداتی از دولت لیبی و دولت ترکیه منتشر شده است. گروه واکنش در سوریه اقدام به

اگر بخواهیم به بحث مشروعیت حضور واکنش در لیبی بپردازیم لازم است ابتدا به حضور واکنش در سوریه دقت کنیم. طبق اسنادی و مستنداتی از دولت لیبی و دولت ترکیه منتشر شده است. گروه واکنش در سوریه اقدام به

اگر بخواهیم به بحث مشروعیت حضور واکنش در لیبی بپردازیم لازم است ابتدا به حضور واکنش در سوریه دقت کنیم. طبق اسنادی و مستنداتی از دولت لیبی و دولت ترکیه منتشر شده است. گروه واکنش در سوریه اقدام به

اگر بخواهیم به بحث مشروعیت حضور واکنش در لیبی بپردازیم لازم است ابتدا به حضور واکنش در سوریه دقت کنیم. طبق اسنادی و مستنداتی از دولت لیبی و دولت ترکیه منتشر شده است. گروه واکنش در سوریه اقدام به

اگر بخواهیم به بحث مشروعیت حضور واکنش در لیبی بپردازیم لازم است ابتدا به حضور واکنش در سوریه دقت کنیم. طبق اسنادی و مستنداتی از دولت لیبی و دولت ترکیه منتشر شده است. گروه واکنش در سوریه اقدام به

سوریه بود و دولت سوریه فقط در حل بحران و جنگ داخلی سوریه به روسیه مجوز دخالت داده بود. با این دانسته‌ها متوجه میشویم گروه واگنر فقط می‌توانست در چارچوب حل بحران سوریه دست به هراقدامی بزند. و اجازه نداشت با سو استفاده از موقعیتش به حل بحران کشور دیگری پردازد.

گروه واگنر در لیبی به پیمان کاری نظامی مشغول

که گفتیم در این جنگ داخلی سازمان ملل دو طرف را به آشتی و صلح و سازش دعوت کرد. همچنین گفتیم که در زمانی که حکومت معمر قذافی سقوط کرد سازمان ملل دولت انتقالی را که بعداً دولت اصلی لیبی شد و در این جنگ با نام دولت وفاق ملی شناخته میشد را به رسمیت شناخت. با این پیش دانسته‌ها می‌توانیم نتیجه بگیریم که گروه واگنر هیچ صلاحیت

سازمان ملل نداشتند. ثانیاً این گروه برضد دولتی که سازمان ملل آن را به رسمیت می‌شناخت فعالیت میکرد. در این بحث این نکته هم حائز اهمیت هست که منابع و مستندات زیادی وجود دارد که این گروه به حمایت مالی و نظامی روسیه در لیبی فعالیت میکردند. و اینکه طبق طرح خاص مسئولیت بین المللی دولت‌ها، دولت روسیه مسئول



بود و در کنار آن در حملات و عملیات‌های نظامی ارتش ازاد لیبی هم شرکت میکرد و نقش پررنگی را ایفا می‌کرد. همانطور و مشروعیت قانونی در لیبی نداشته زیرا ابتدائاً برخلاف تذکرات سازمان ملل که دو طرف را به صلح و سازش دعوت میکرد. این گروه در پی جنگ و عملیات‌های نظامی در این کشور بودند و هیچ‌گونه تلاشی در جهت تحقق اظهارات

تجارت اسلحه است. گروه واگنر در اوکراین در صبح ۲۴ فوریه سال ۲۰۲۲ روسیه تهاجم نظامی خود را به اوکراین آغاز کرد. این تهاجم نظامی به دلیل آنکه اوکراین قصد پیوستن به ناتو را داشت و روسیه از نزدیک شدن مرزهای ناتو به مرزهای خود خوف داشت صورت گرفت. از همان ابتدا تمام مجامع بین المللی این تهاجم را محکوم کردند آن را تهدید برای صلح جهانی میدانستند و دولت روسیه را متخاصم و نقض کننده پیمان‌های صلح جهانی به شمار می‌آوردند. همانطور که گفتیم پیشینه حضور واگنر در اوکراین به قبل از تشکیل آن یعنی سال ۲۰۱۴ برمی

گردد. اما این گروه در سال ۲۰۲۲ هم در جریان جنگ روسیه و اوکراین نقش بسیار پررنگی را ایفا کردند. آنقدر نقش واگنر در اوکراین مهم و پررنگ بود که این گروه به تیر تمام خبرگزاری‌های جهان تمام شد و بار دیگر بعد از اتفاقات سال ۲۰۰۷ بلک واتر جهان متوجه خطر ارتش‌های خصوصی شد. گروه واگنر در اوکراین تقریباً در تمام فعالیت‌ها و عملیات نظامی روسیه

شرکت داشته و با آنها همکاری موثر داشته و حتی بعضی از شهرها و مناطق اوکراین را واگنر بدون کمک ارتش روسیه تصرف کرده است. گروه واگنر در این جنگ به قدری حضور فعال داشت که رئیس این گروه یعنی یوگنی پریگورین حضور فعال در خط مقدم جنگ داشت. در این جنگ گروه واگنر به فعالیت‌هایی همچون پیمان کاری نظامی، فرمانده نیروهای ارتش، عملیات‌های جاسوسی و شناسایی و... می‌پرداخته.

این گروه در ابتدا به دلیل همکاری موثر با دولت متخاصم مسئول شناخته میشوند و کار آن به هیچ عنوان مشروعیت ندارد. طبق گزارشاتی که از سازمان‌های جهانی منتشر شده روسیه و واگنر در اوکراین دست به جنایات بسیار زیادی زده‌اند و این جنایات به قدری واضح و آشکار بود که دیوان بین المللی کیفری شخص ولادیمیر پوتین را تحت تعقیب قرار داد و آن را جنایت کار جنگی معرفی کرد.

شکی نیست که گروه واگنر در این جنایات نقش داشته جنایاتی از قبیل انتقال اجباری کودکان اوکراینی

به روسیه، بد رفتاری با اسرا، قتل عام غیرنظامیان و... که همه آنها در اسناد معتبر حقوق بشری و

کنوانسیون‌های مرتبط منع شده و موجبات مسئولیت بین المللی را برای کشور مرتکب به بار می‌آورد. فعالیت گروه واگنر تنها به این موارد ختم نمی‌شود اسنادی وجود دارد که نشان می‌دهد گروه واگنر در آفریقای مرکزی هم فعالیت داشته. واگنر که به درخواست دولت آفریقای مرکزی برای حفاظت از معادن الماس به انجا رفته بود هم مرتکب تخلف‌های بین المللی از جمله استثمار از کارگران، تجاوز، قتل و ...

شده است این اعمال به قدری زیاد بود که زمانی که خبرنگاری قصد تحقیق در این موارد را داشت را به

قتل رساندن. بعد از این واقعه، این گروه در ژوئن ۲۰۱۷ در لیست تحریم ایالات متحده آمریکا قرار گرفت. اتحادیه اروپا نیز با انتشار بیانیه‌ای، در سال ۲۰۲۱ گروه واگنر همراه با پنج فرد و سه نهاد مرتبط با آن را تحریم کرد. کشورهای اوکراین، فرانسه، استونی و لیتوانی این گروه را در لیست گروه‌های تروریستی قرار دادند. همچنین سی‌ای‌ای با انتشار گزارش‌هایی اعلام کرده که گروه واگنر از یک ارتش خصوصی فراتر رفته و به یک شرکت

پیچیده تبدیل شده است که در قالب شرکت‌های کاغذی گوناگون به نهادهای پولی و مالی کشورهای



اروپایی نفوذ کرده و در این کشورها به جرائم مالی مختلف می‌پردازد. بعد از شورش ناموفقی که واگنر در روسیه داشت و همچنین. بعد از مرگ مشکوک رهبر گروه نظامی آن در خاک روسیه در تاریخ ۲۳ اگوست ۲۰۲۳، وضعیت این گروه نامعلوم است و تنها گزارشاتی از حضور آنان در مرزهای بلاروس و لهستان وجود دارد.

محمد حسین
احمد فخرالدین
کارشناسی حقوق



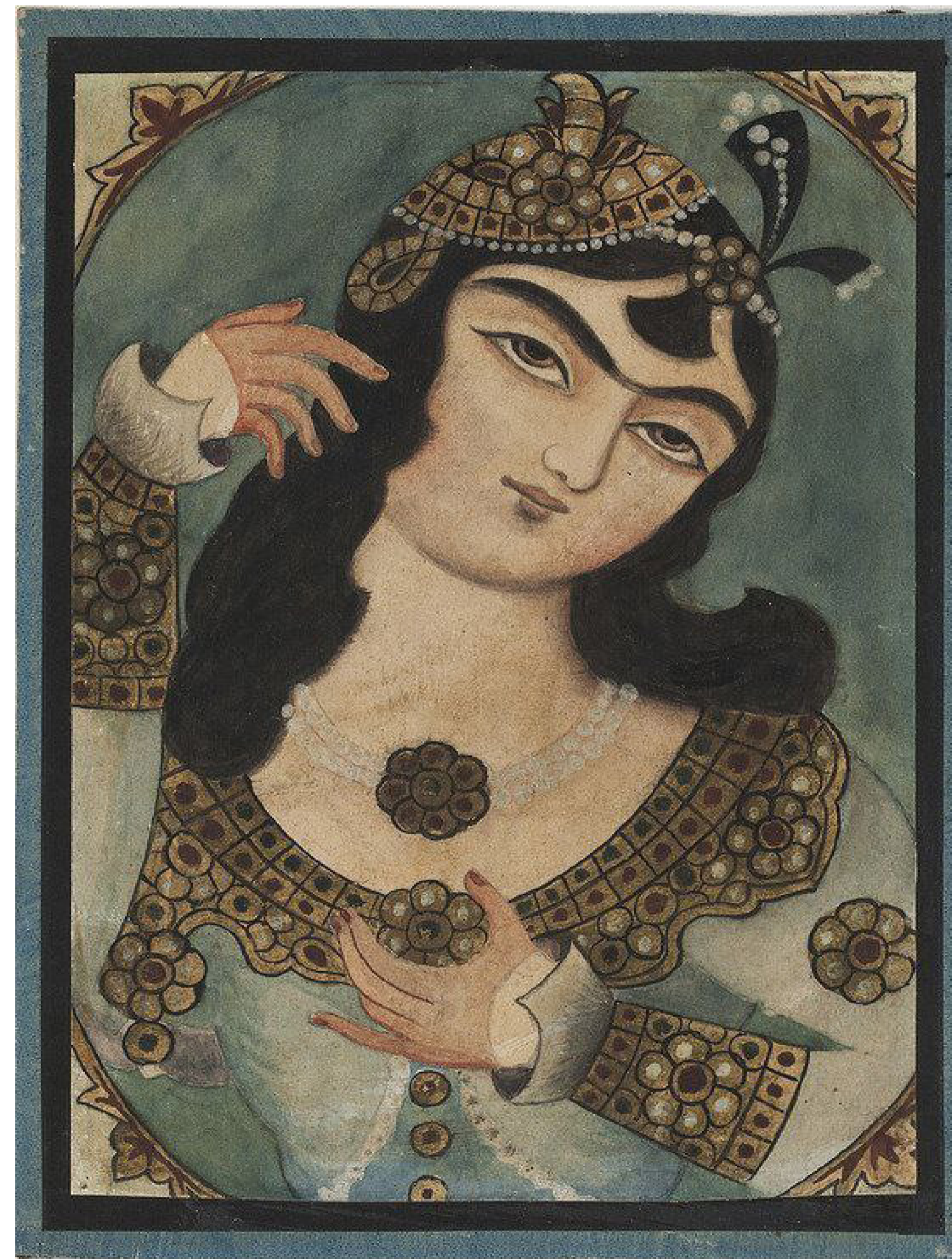
زن ایرانی تکه!!

با ورق زدن روزنامه‌ها؟ خیر! با زیر و رو کردن شبکه‌های اجتماعی؟ نه نیازی نیست! ورود به دانشگاه‌ها و ادارات؟ به خودتان زحمت ندهید! کفایت فقط چشمان خود را باز کنید. تحولات فرهنگی و اجتماعی ایران با ورود نسل‌های دو سه دهه اخیر غیر قابل انکار است. به خاطر دارم کسی به درستی می‌گفت هیچ معلول اجتماعی تک علتی نیست. پس خیلی سخت می‌توان همه ابعاد این تغییرات را تحلیل و آن را در خرد جریده‌ای جمع آوری کرد اما هرآنکه در ایران زندگی میکند یا از اوضاع ایران با خبر است تصدیق می‌نماید که نقش زنان و دختران در این تغییرات بسیار پررنگ است و حتی بیراه نیست اگر بگوییم آنها سردمدار تغییرات اجتماعی ایران امروز هستند. بپذیریم یا نه، چندان تفاوتی نمی‌کند! زن ایرانی در حال گذر از مفهوم سنتی خود و

ورود به دنیای مدرن است و حتی شاید در مواردی، زمان زیادی است که گذر کرده است. میدانیم که ایده‌های جدید انسان‌های جدیدی را خلق میکنند و انسان‌های نو به دنبال دارند. انتخاب‌هایی که شاید بعضاً صد و هشتاد درجه با جامعه ایران نیز مغایرت دارد. از جمله این کنش‌ها می‌توان به تمایل به روابط متعدد اشاره کرد که امروزه بین دختران و پسران جوان رایج است. روابطی که در گذشته تنها مردها طالب آن بودند اما امروزه زنان نیز بدنبال استقلال و درآمدی که خود بدست می‌آورند به

بلکه مثل آب شوری است که فرد را تشنه‌تر نیز می‌سازد. با گسترش چنین روابطی مرد‌ها نیز کمتر به دنبال ایجاد یک شرایط مناسب برای ازدواج می‌افتند. دیگر آنکه خطوط قرمز و حد مرزهای بین مردان و

این دسته و دیگر اقشار با تفکرات سنتی مذهبی بوجود آورده است. میل کمتر به داشتن فرزند و البته تشویق دیگران به عدم ازدواج و فرزند آوری از جمله معضل‌های دیگری است که در



چنین روابطی روی آورده و از ازدواج گریزان شده‌اند. روابطی که معمولاً در انتها پایان خوشی ندارد و احساسات و عواطف طرفین را لگد میکند و نه تنها انسان را ارضا نمی‌کند

زنان نسبت به قبل دچار تغییر شده‌اند و مفاهیمی از جمله خیانت زناشویی را نیز متحول کرده‌اند این مسئله بنظر بیشتر بین قشر جوان جریان دارد که شکافی عمیق هم بین

میان این قشر وجود دارد البته نقش پررنگ مسائل اقتصادی را نیز نباید نادیده انگاشت و معضل‌های دیگری که البته همین تعداد که ذکر شد هم برای اینکه بدانیم با چه

چیزی مواجهیم، کافیست. به دنبال این نوع کنش‌های زن ایرانی بنظر هویت مرد ایرانی هم دگرگون شده است و با بیست یا حتی ده سال پیش نیز متفاوت است.

در اینکه اجتماع ایران مردسالار است نباید شکی داشت. چنان‌که این کیفیت در سطوح عمیق باورها و اعتقادات مردم ریشه دوانده است و شاخ و برگ آن در زبان روزمره و ضرب‌المثل‌های رایج بین مردم هویداست.

منتهی بنظر میرسد که برخی از جنبش‌های زنان در حال حاضر، بدون توجه به بنیادهای فرهنگی است. جامعه و فرهنگی که هم اکنون نیز در تقابل مدرنیته و سنت درگیر است و اندک داشته‌های آن من جمله خانواده را نیز تحت الشعاع قرار داده‌اند. حال آنکه با تضعیف کردن بنیاد خانواده، مانع تنها به خودمان آسیب می‌زنیم بلکه باعث تاثیر گذاری فرهنگی شدید در نسل‌های آینده نیز خواهیم شد.

همانطور که در ابتدای نوشته‌ام قید کردم، هیچ معلول اجتماعی، تک علتی نیست. پس من دوباره می‌گویم که هرگز

نمی‌خواهم نقش عوامل اقتصادی و سیاسی را نادیده بگیرم و همگی بخوبی میدانیم که فریاد را بر سر چه کسانی باید بزنیم، منتهی نباید با این توجیه نگاه انتقادی به خودمان را کنار بگذاریم و معیارها و سنج‌های فرهنگی را فراموش کنیم. در آخر شما را با این بخش از نوشته "رضا قاسمی" تنها می‌گذارم: تاریخچه اختراع زن مدرن ایرانی بی‌شبهت به تاریخچه اختراع اتومبیل نیست. با این تفاوت که اتومبیل کالسکه‌ای بود که اول محتوایش عوض شده بود (یعنی اسب‌هایش را برداشته و به جای آن موتور گذاشته بودند) و بعد کم‌کم شکلش متناسب این محتوا شده بود و زن مدرن ایرانی اول شکلش عوض شده بود و بعد، که به دنبال محتوای مناسبی افتاده بود کار بیخ پیدا کرده بود. (اختراع زن سنتی هم، که بعدها به همین شیوه صورت پیدا نکرد). این‌طور بود که هر کس به تناسب امکانات و ذائقه شخصی‌اش، ذهنیت زن سنتی و

مطالبات زن مدرن، ترکیبی ساخته بود که دامنه تغییراتش، گاه از چادر بود تا مینی ژوپ، می‌خواست در همه تصمیمها شریک

باشد اما همه مسئولیتها را از مردش می‌خواست می‌خواست شخصیتش در نظر دیگران جلوه کند نه جنسیتش، اما با جاذبه‌های زنانه‌اش به میدان می‌آمد، مینی ژوپ می‌پوشید تا پاهایش را به نمایش بگذارد اما اگر کسی چیزی به او می‌گفت از بی‌چشم و رویی مردم شکایت می‌کرد، طالب شرکت پایپای مرد در امور خانه بود اما در همین حال مردی را که به این اشتراک تن می‌داد ضعیف و بی

شخصیت قلمداد می‌کرد، خواستار اظهار نظر در مباحث جدی بود اما برای داشتن یک نقطه نظر جدی کوشش نمی‌کرد، از زندگی زناشویی‌اش ناراضی بود، اما نه شهامت جدا شدن داشت نه خیانت. به برابری جنسی و ارضای متقابل اعتقاد داشت، اما وقتی کار به جدایی می‌کشید، به جوانی‌اش که بی‌خود و بی‌جهت پای دیگری حرام شده بود تاسف می‌خورد. رضا قاسمی، هم‌نوايي شبانه‌ی ارکستر چوبها

طراح و صفحه آرا:

فخرالدین

راه‌های ارتباطی نشریه:



صاحب امتیاز: انجمن وفاق
و توسعه دانشجویان دانشگاه
شیراز

مدیر مسئول: امیر احمد مجرد

سرمدیر: کیوان میرزایی

هیئت تحریریه:

۱. امیر احمد مجرد

۲. کیوان میرزایی

۳. علی کریمزاده

۴. محمد حسین احمد

فخرالدین